

موضوع: نقد و بررسی کتاب نه‌ایة الحکمة

استاد: حضرت آیت الله سیّدان

مورخ: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

جلسه: بیست و چهارم

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

الأمر الثالث: تبين من جميع ما مر أن للمراتب المترتبة من الوجود حدودا غير أعلى المراتب فإنها محدودة بأنها لا حد لها وظاهر أن هذه الحدود الملازمة للسلوب والأعدام والفقدانات التي نشبتها في مراتب الوجود و هي أصيلة وبسيطة إنما هي من ضيق التعبير وإلا فالعدم نقيض الوجود ومن المستحيل أن يتخلل في مراتب نقيضه .

وهذا المعنى أعنى دخول الأعدام في مراتب الوجود المحدودة وعدم دخولها المؤدى إلى الصرافة نوع من البساطة والتركيب في الوجود غير البساطة والتركيب المصطلح عليها في موارد أخرى وهو البساطة والتركيب من جهة الأجزاء الخارجية أو العقلية أو الوهمية^١.

❖ مقدمه:

دو فرع از فروعاًت مسئله وحدت تشكيكى وجود به عرضتان رسيد، و همان طور اشکالات خود مسئله تشكيك در وجود نيز بيان گشت. اکنون به فرع سوم از فروع مسئله تشكيك در وجود می‌رسيم.

١. نه‌ایة الحکمة ص ٢٠ الفصل الثالث في أن الوجود حقيقة مشككة

❖ فرع سوم تشکیک - ترکیب مراتب وجود از هستی و نیستی، واقعی نیست.

وجود دارای مراتبی مختلف است که هر مرتبه‌اش حدی دارد، غیر از مرتبه‌ی اعلای آن که ذات مقدس حضرت حق است و هیچ حدی ندارد و لایتناهی می‌باشد.

هر مرتبه‌ای در عین وحدت با مراتب دیگر، خودش یک مرتبه خاصی است که غیر از مراتب دیگر است و لذا طبعاً به عدم مراتب ما فوق خودش محدود است.

پس هر مرتبه‌ای نسبت به مرتبه‌ی ما فوقش محدود می‌شود یعنی شدت مرتبه‌ی ما فوق را ندارد و انگار از یک وجود و عدم، مرکب شده است، و آن وجود مرتبه خودش و عدم مرتبه فوقش می‌باشد.

لذا این حدود و مراتب ملازم با یک عدم و سلبی هستند، یعنی وجود در همه مراتب غیر از بالاترین مرتبه، همراه با عدم است. مثلاً وجود در مرتبه حیوانات، حیوانات وجود دارند اما شدت وجود انسان را ندارند، پس وجودشان همراه با نداشتن و عدم است. هر مرتبه‌ای نسبت با مرتبه ما فوقش، همراه با عدم آن مرتبه ما فوق است، لذا می‌گوییم این مرتبه ضعیفه دارای مرتبه اقوی نیست، پس هر مرتبه‌ای با سلوب و فقدان و عدم مرتبه ما فوقش ملازم می‌شود.

نکته‌ای که باید توجه داشت این است که اثبات این ندادی‌ها و نیستی‌ها و سلب پاره‌ای از کمالات که ملازم مراتب وجود می‌باشند، در حالی که مراتب وجود، اصیل و بسیط‌اند، از باب مسامحه و ناشی از ضیق تعبیر است. پس اینکه می‌گوییم مثلاً هر یک از مراتب وجود مرکب از وجود و عدم هستند، همه مجاز و مسامحه است.

تکرار می‌کنیم که لازمه محدود بودن مراتب ضعیف، سلب و عدمی است که همراه و ملازم با آنها است، یعنی شدت درجه ما فوق از آنها مسلوب است، اما بدانید اینگونه تعبیر کردن از باب مسامحه و ضیق تعبیر می‌باشد و الا عدم نمی‌تواند بین وجودات تخیل پیدا کند؛ زیرا عدم نقیض وجود است و باطل محض است و چیزی که باطل محض است نمی‌تواند بین وجودات متخلّل شود. مطلب دیگری که در این فرع بیان می‌کنند این است که این درجات وجود که ملازم با محدودیت هستند، به نوعی مرکب نیز هستند، یعنی غیر از درجه اعلی که صرف الوجود است بقیه درجات مرکب هستند از وجود و عدم داشتن درجه ما فوق، مثلاً درجه صد، از نظر تحقق

خارجی، فاقد درجه صدویک می‌باشد، پس مرکب است از داشتن و نداشتن، اما این ترکیب غیر از ترکیب اصطلاحی است که به ترکیب خارجی یا عقلی یا وهمی تقسیم می‌شود.

چون در ترکیب های اصطلاحی، شیئی با شیئی دیگر ضمیمه می‌شود، حال یک بار در خارج مثل اجسام که از صورت و ماده ترکیب شده‌اند و ترکیب خارجی دارند، یک بار در عقل که مرکب اند از جنس و فصل مثل انسان که مرکب است از حیوان و ناطق و ترکیب عقلی دارند و یک بار در وهم یعنی خیال که یک شیء دارای کم را در ذهنمان به تقسیم های متعدد تقسیم می‌کنیم مثلاً یک چوب را که دارای کم است به تقسیمات ده سانتی متری تقسیم می‌کنیم.

اما در این ترکیبات اصطلاحی در حقیقت چیزی به چیز دیگر ضمیمه شده است، اما ترکیب در مراتب وجود که مرکب‌اند از وجود خاصی و فقدان مراتب بالاتر، غیر از آن ترکیبات اصطلاحی است؛ زیرا ترکیب در مراتب وجود، ضمیمه شدن چیزی به چیزی نیست، بلکه از خود وجود این چنین ترکیبی را انتزاع می‌کنیم؛ زیرا غیر از وجود چیزی نیست که بخواهد وجود با آن ضمیمه گردد.

❖ فرع چهارم تشکیک - قیود هر مرتبه از مراتب وجود، تابع جایگاه آن مرتبه است.

الأمر الرابع: أن المرتبة كلما تنزلت زادت حدودها وضاق وجودها وكلما عرجت و زادت قربا من أعلى المراتب قلت حدودها و اتسع وجودها حتى يبلغ أعلى المراتب فهي مشتملة على كل كمال وجودي من غير تحديد و مطلقة من غير نهاية.^۲

با توجه به مطالبی که در مورد مسئله وحدت تشکیکی وجود عرض شد، روشن است که مراتب وجود، هرچه به مرتبه اعلی نزدیکتر بشوند، سعه آنها بیشتر خواهد بود. یعنی شدیدتر می‌شوند و واجدیشان بیشتر می‌شود و هرچه به طرف هیولا که اضعف مراتب وجودات است، نزدیکتر بشوند، ضیقشان بیشتر خواهد بود، و دایره وجودشان محدودتر خواهد بود.

مجددا بیان می‌کنیم که در تشکیک وجود، مرتبه اعلی دارای همه مراتب ما دون است، بدون اینکه حد بخورد و همچنین مشتمل همه کمالات وجودی است و اطلاق دارد.

۲. نهاية الحكمة ص ۲۰ الفصل الثالث في أن الوجود حقيقة مشككة

البته اشاره کردیم که در فرض تشکیک هیچ وقت به مرتبه اعلی نمی‌رسیم؛ زیرا هرچه شدیدتر فرض کنیم باز مرتبه‌ای شدیدتر از آن خواهد بود.

❖ فرع پنجم تشکیک - وجود دو حاشیه دارد

الأمر الخامس: أن للوجود حاشيتين من حيث الشدة والضعف وهذا ما يقضى به القول بكون الوجود حقيقة مشككة.^۳

وجود دو حاشیه دارد، یکی حاشیه اعلی المراتب، که حدی ندارد و یکی مرتبه اضعف وجودات که هیچ فعلیتی ندارد مگر قابلیت اشیاء، که هیولا می‌باشد. ضعیف ترین مرتبه در مراتب وجود، هیولا است و اعلی المراتب که حدی ندارد، ذات مقدس حضرت حق می‌باشد.

❖ فرع ششم تشکیک - انحاء سه گانه حقیقت وجود

الأمر السادس: أن للوجود بما لحقيقته من السعة والانبساط تخصصاً بحقيقته العينية البسيطة وتخصصاً بمرتبة من مراتبه المختلفة البسيطة التي يرجع ما به الامتياز فيها إلى ما به الاشتراك وتخصصاً بالماهيات المنبثقة عنه المحددة له ومن المعلوم أن التخصص بأحد الوجهين الأولين مما يلحقه بالذات و بالوجه الثالث أمر يعرضه بعرض الماهيات.^۴

وجود بما هو وجود یک تخصصی دارد با اعلی المراتب وجود که ذات مقدس حضرت حق است و یک تخصصی هم دارد با مراتب مادون، چون آنها هم وجود هستند، و یک تخصصی هم دارد به ماهیات، همان طور که می‌گوییم مثلاً وجود انسان، وجود قمر، وجود شمس و... همین طور بقیه ماهیات، آن دو تخصص مربوط به ذات وجود است، یعنی ذات وجود است که حضرت حق است، و ذات وجود است که آن مراتب مختلفه است. اما تخصص سوم که تخصص به ماهیات است، به تبع ماهیات است یعنی چون ماهیات به وسیله وجود و به تبع وجود، وجود پیدا کرده اند، وقتی که وجود پیدا کردند آنگاه وجود نیز به آن ماهیات یک

۳. نهاية الحكمة ص ۲۰ الفصل الثالث في أن الوجود حقيقة مشككة

۴. نهاية الحكمة ص ۲۰ الفصل الثالث في أن الوجود حقيقة مشككة

تخصصی پیدا می‌کند. این تخصص به تبع ماهیات است اما آن دو تخصص مربوط به خود ذات وجود است.

خلاصه :

دو فرع از فروعات مسئله وحدت تشکیکی وجود به عرضتان رسید. فرع سوم تشکیک این است که ترکیب مراتب وجود از هستی و نیستی، واقعی نیست، یعنی هر مرتبه‌ای انگار از یک وجود و عدم، مرکب شده است، و آن وجود مرتبه خودش و عدم مرتبه فوقش می‌باشد، اما اثبات این نداری‌ها و نیستی‌ها و سلب پاره‌ای از کمالات که ملازم مراتب وجود می‌باشند، از باب مسامحه و ناشی از ضیق تعبیر است، زیرا عدم نقیض وجود است و باطل محض است و چیزی که باطل محض است نمی‌تواند بین وجودات متخلل شود.

فرع چهارم تشکیک این است که روشن است که مراتب وجود، هرچه به مرتبه‌اعلی نزدیکتر بشوند، سعه آنها بیشتر خواهد بود. یعنی شدیدتر می‌شوند و واجدیشان بیشتر می‌شود و هرچه به طرف هیولا که اضعف مراتب وجودات است، نزدیکتر بشوند، ضیقشان بیشتر خواهد بود، و دایره وجودشان محدودتر خواهد بود.

فرع پنجم تشکیک این است که وجود دو حاشیه دارد، یکی حاشیه‌اعلی‌المراتب، که حدی ندارد و یکی مرتبه اضعف وجودات که هیچ فعلیتی ندارد مگر قابلیت اشیاء، که هیولا می‌باشد. فرع ششم و آخر تشکیک این است که وجود بما هو وجود یک تخصصی دارد با‌اعلی‌المراتب وجود، که ذات مقدس حضرت حق است و یک تخصصی هم دارد با مراتب مادون، و یک تخصصی هم دارد به ماهیات، مثل وجود انسان، آن دو تخصص اول مربوط به ذات وجود است، اما تخصص سوم که تخصص به ماهیات است، به تبع ماهیات است.

📖 کارگروه تهیه و تدوین مدرسه علوم دینی

حضرت ولی عصر (عج)